

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۰۵۳۱۹



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه (رساله):

سیر تخلص در غزل فارسی و رابطه‌ی آن با اوزان عروضی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

جابر نوری جوکندان

استاد راهنما:

دکتر فاطمه کوپا

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۴

۱۳۸۷

۹۷۳۸۹
۱۰

استاد

دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه (رساله):

سیر تخلص در غزل فارسی و رابطه‌ی آن با اوزان عروضی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

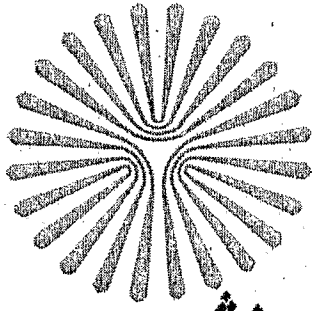
جابر نوری جوکندان

استاد راهنما:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

دکتر نرگس محمدی بدر



دانشگاه سindh نور

تصویب نامہ

پایان نامہ تحت عنوان

مطالعہ در سیر تخلص در غزل فارسی ہمراہ با اوزان عروضی

تاریخ دفاع : ۸۵/۳/۱۶ نمرہ : ۱۹/۷۵ درجہ : عالی

اعضای ہیات داوران :

استاد راہنما

۱- خانم دکتر کوپا

استاد مشاور

۲- خانم دکتر محمدی بدر

استاد داور

۳- آقای دکتر نجف دری

۴- خانم دکتر کوپا نمایندہ گروہ

امضاء

مرتبہ علمی

۱

۲

۳

سپاسگزاری:

ای خدا، جان را تو بنما آن مقام که در او بی حرف می‌روید کلام

هم بگو تو هم تو بشنو هم تو باش ما همه لاشیم با چندین تلاش

با تواضع راستین باید اعتراف کنم که مرا در تدارک این مهم زاد و راحله‌ای نیست و هر چه هست از بزرگان و سرورانی است که از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه‌چینی کرده‌ام. آنان را بر این ارادتمند حقوق بسیار است و گزاردن حقوق آنان دشوار، بل محال می‌نماید.

از سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا (استاد راهنما) که با فداکاری‌ها و دانشجویان‌هایش مرا مورد لطف قرار دادند و با حوصله مطالب پایان‌نامه را بررسی کردند و راهنمایی فرمودند و نیز از سرکار خانم دکتر نرگس محمدی بدر (استاد مشاور) که با سعه صدر، مطالب پایان‌نامه را مطالعه کرده و همکاری فرمودند، کمال تشکر را دارم. و از این دو عزیز بزرگوار به خاطر زحماتی که برایم کشیده‌اند طلب عفو دارم و از خداوند برایشان طول عمر با عزت، همراه با سلامتی آرزو دارم.

در پایان از زحمات مدیر محترم چاپ کامپیوتری مروارید آقایان پیرنیا و روحی

صمیمانه سپاسگزارم.

تقدیم به

خانواده‌ام

که تمام بی‌حوصلگی‌هایم را تحمل کردند و وقتشان را در اختیارم قرار دادند.

و تقدیم به

استادان ارجمندم

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا و سرکار خانم دکتر نرگس محمدی بدر

به خاطر دلسوزی‌ها و مهربانی‌هایشان.

نام خانوادگی دانشجو: نوری جوکنندان نام دانشجو: جابر

عنوان پایان‌نامه: سیر تخلص در غزل و رابطه‌ی آن با اوزان عروضی

استاد راهنما: دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور: دکتر نرگس محمدی بدر

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: محض

دانشگاه: پیام نور مرکز تهران

تاریخ فارغ‌التحصیلی: تعداد صفحه:

چکیده:

در این رساله، پیشینه و سیر تخلص در غزل، معانی لغوی و اصطلاحی آن، منشأ تخلص در شعر فارسی، ضرورت‌های رواج تخلص، شیوه‌های گوناگون انتخاب تخلص از سوی شاعران و تفنن در تخلص در ادوار مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. در پایان نیز با بهره‌گیری از جدول‌های آماری و نمودارهای گوناگون رابطه‌ی ویژه تخلص با اوزان عروضی و پر بسامدترین و کم‌بسامدترین اوزان تخلص‌ها و جایگاه‌های قرار گرفتن تخلص در شعر فارسی (مطلع یا مقطع) نشان داده شده است.

کلید واژه‌ها: تخلص، غزل، اوزان عروضی.

پیش‌گفتار.....	۴
۱ - فصل اول: کلیات و تعاریف.....	۷
۱-۱ - معنی لغوی تخلص.....	۸
۱-۲ - تخلص در اصطلاح بدیع.....	۸
۱-۳ - تخلص در اصطلاح شعرا.....	۸
۱-۴ - نام‌های دیگر تخلص.....	۹
۲ - فصل دوم: تاریخچه‌ی تخلص.....	۱۳
۲-۱ - بخش اول.....	۱۴
۲-۱-۱ - پیشینه‌ی تخلص.....	۱۴
۲-۱-۲ - انتقال در تخلص‌ها.....	۱۵
۲-۱-۳ - ایرانی بودن تخلص‌ها.....	۱۶
۲-۱-۴ - در باب الف آخر تخلص‌ها.....	۱۷
۲-۱-۵ - ضرورت پرداختن به منشاء غزل.....	۱۷
۲-۱-۶ - جعل تخلص‌ها و اشتباه خاورشناسان.....	۲۰
۲-۱-۷ - رد پای تخلص تا قبل از رواج کامل غزل.....	۲۱
۲-۱-۸ - دوران رواج تخلص در غزل و ضرورت آن.....	۲۳
۲-۱-۹ - سیر تخلص در دوره‌های مختلف.....	۲۶
۲-۲ - بخش دوم.....	۳۱
۲-۲-۱ - تخلص در قالب‌های شعری.....	۳۱
۲-۲-۲ - تخلص در قصیده.....	۳۱
۲-۲-۳ - حسن تخلص در قصیده.....	۳۳
۲-۲-۴ - تخلص در غزل.....	۳۶
۲-۲-۵ - حسن تخلص در غزل.....	۳۶
۲-۲-۶ - تخلص در رباعی.....	۳۸
۲-۲-۷ - تخلص در مستزاد.....	۴۰
۲-۲-۸ - تخلص در مثنوی.....	۴۱
۲-۳ - بخش سوم: جایگاه تخلص.....	۴۵
۲-۳-۱ - جایگاه کاربرد تخلص در غزل و نمودار آن.....	۴۵
۲-۳-۱-۱ - نمودار اول.....	۴۵
۲-۳-۱-۲ - نمودار دوم.....	۴۶

- ۴ - فصل سوم: ۴۸
- ۳-۱-۱- اجمالی در چگونگی انتخاب تخلص ها و طبقه‌بندی آنها ۴۸
- ۳-۲-۱- تخلص‌های منسوب به نام ۴۸
- ۳-۲-۲- تخلص‌های منسوب به زادگاه ۴۹
- ۳-۲-۳- لقب یا نسب ۴۹
- ۳-۲-۴- تخلص‌های منتسب به ممدوح ۵۰
- ۳-۲-۵- تخلص‌های منسوب به شغل و کمالات علمی ۵۱
- ۳-۲-۶- تخلص‌های اعطایی ۵۱
- ۳-۲-۷- ویژگی‌های شخصیتی ۵۲
- ۳-۲-۷-۱- حسب حال و روحيات و نفسانيات ۵۲
- ۳-۲-۷-۲- وضعیت جسمانی ۵۴
- ۳-۲-۷-۳- تخلص‌های هزل و طنزگونه ۵۴
- ۳-۲-۸- تخلص‌های مرتبط با مکاتب شعری ۵۵
- ۳-۲-۹- تعدد تخلص در شاعران ۵۵
- ۳-۲-۱۰- تخلص‌های یکسان ۵۶
- ۳-۲-۱۱- تخلص‌های ناشی از جهان بینی و اندیشه ۵۷
- ۴ - فصل چهارم: مختصری در کیفیت به کارگیری تخلص شاعران غزل سرا ۵۹
- ۴-۱-۱- در کیفیت به کارگیری تخلص ۶۰
- ۴-۱-۱-۱- تخلص با حرف ندا ۶۰
- ۴-۱-۲- تخلص بدون حرف ندا (حرف ندا محذوف) ۶۵
- ۴-۱-۲-۱- به صورت حرف ندای محذوف ۶۶
- ۴-۱-۲-۲- به صورت غیر خطابی ۶۸
- ۴-۱-۳- تخلص به صورت جانشین ضمیر متکلم ۶۹
- ۴-۱-۴- تخلص به صورت شخصیت جداگانه ۷۱
- ۴-۱-۵- تخلص در مطلع غزل ۷۲
- ۴-۱-۶- غزل بدون تخلص ۷۳
- ۴-۱-۷- تقدیم تخلص ۷۶
- ۴-۱-۸- تجرید یا خطاب النفس ۷۹
- ۴-۱-۹- تفنن همراه تخلص در مقطع غزل ۸۱
- ۵ - فصل پنجم: رابطه‌ی تخلص با اوزان عروضی ۸۸
- ۵-۱- مقدمه: ۸۹
- ۵-۲- جدول تخلص شاعران غزل سرا همراه با افاعیل عروضی ۹۰
- ۵-۳- بررسی نتایج آماری وزن عروضی تخلص ها ۱۲۸

- ۱۲۹..... ۵- ۴- محدود بودن دایره‌ی انتخاب تخلص‌ها.
- ۱۳۲..... ۵- ۵- جدول جایگاه وزن تخلص‌ها در اوزان عروضی.
- ۱۳۳..... ۵- ۵- ۱- نتایج جدول (۵- ۵)
- ۱۳۷..... ۵- ۶- جدول اوزان و زحافات بحر عروضی بر مبنای وزن تخلص‌ها
- ۱۳۷..... ۵- ۶- ۱- اوزان بحر هزج.
- ۱۳۹..... ۵- ۶- ۲- اوزان بحر رمل.
- ۱۴۱..... ۵- ۶- ۳- اوزان بحر رجز.
- ۱۴۲..... ۵- ۶- ۴- اوزان بحر مضارع.
- ۱۴۳..... ۵- ۶- ۵- اوزان بحر مجتث.
- ۱۴۴..... ۵- ۶- ۶- اوزان بحر منسرح.
- ۱۴۵..... ۵- ۶- ۷- اوزان بحر خفیف.
- ۱۴۶..... ۵- ۶- ۸- اوزان بحر مقتضب.
- ۱۴۷..... ۵- ۶- ۹- اوزان بحر سریع.
- ۱۴۸..... ۵- ۶- ۱۰- اوزان بحر متدارک.
- ۱۴۹..... ۵- ۶- ۱۱- اوزان بحر متقارب.
- ۱۵۰..... ۵- ۷- نقش اوزان عروضی در بسامد اوزان عروضی تخلص‌ها

۱۶۱..... **۶- نتیجه‌گیری:**

۱۶۴..... **منابع و مآخذ:**

«به نام خداوند جان و خرد»

«خدایا عاجز و سرگردانم نه آنچه دارم دانم و نه آنچه دانم دارم»

رسایل خواجه عبدا... انصاری

پیش‌گفتار:

شعر فارسی، همان‌گونه که در حوزه‌ی مفاهیم و معانی، ویژگی‌هایی دارد که آن را از شعر دیگر ملل امتیاز می‌بخشد، در قلمرو ساخت و صورت هم، از بعضی خصوصیات برخوردار است که در ادبیات جهان، یا بی‌نظیر است یا موارد مشابه بسیار کم دارد.

در این مقال به یکی از ویژگی‌های شعر فارسی می‌پردازیم و آن مسأله «تخلص» است، که با وجود گستردگی که در شعر فارسی دارد، در شعر ملل دیگر دیده نشده است و اگر هم باشد در شعر ملت‌هایی است که تحت تأثیر شعر فارسی قرار داشته‌اند.

در این رساله، هدف ما، بحث در باره‌ی تخلص و رابطه‌ی آن با اوزان عروضی در شعر فارسی است. قضاوت پیرامون این موضوع، نیاز به سال‌ها پژوهش و مطالعه دارد. این رساله کوششی برای شناساندن گوشه‌ای از چگونگی و تحولات تخلص و ارتباط آن با اوزان عروضی در غزل فارسی است.

این رساله در شش فصل تنظیم گردیده است. روش ما در تنظیم مطالب به صورت زیر بوده است:

در فصل اول به کلیات و تعاریف تخلص پرداخته شده و سپس نام‌های مختلف «تخلص» در ادب فارسی مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل دوم این رساله به پیشینه‌ی تخلص در ادب فارسی و کاربرد آن در قالب‌های گوناگون شعر فارسی پرداخته شده، در این باره، به آنچه از شعر فارسی باقی‌مانده، اکتفا شده است.

فصل سوم را به چگونگی انتخاب «تخلص» توسط شاعران غزل‌سرا، اختصاص

داده‌ایم.

در فصل چهارم به روش کار شاعران غزل‌سرا در به‌کارگیری تخلص در غزل پرداخته‌ایم، و با ارائه‌ی نمونه‌های گوناگون از شعر شاعران در ادوار مختلف، یعنی از قرن ششم تا نیمه‌ی اول قرن چهاردهم، به سیر و تحول تخلص از لحاظ شکلی و جایگاه قرار گرفتن آن در غزل توجه گردیده است.

در فصل پنجم، بخش دوم پایان‌نامه، مورد بررسی قرار گرفته است و آن رابطه‌ی تخلص با اوزان عروضی می‌باشد. ما این فصل را بیشتر با نمودار آماری و جدول‌های کاربردی تنظیم کرده‌ایم. به دلیل گستردگی شعر و وفور شاعران غزل‌سرا، نیاز به روشی داشتیم که بتواند همه‌ی شاعران را شامل شود و نمایانگر کار همه‌ی آنان باشد، از این رو از روش آماری بهره گرفته و به طرح مسائل پرداخته‌ایم. گفتنی است که این فصل نشان دهنده‌ی دغدغه‌ی شاعران در پایان بردن غزل خود و جمع‌بندی اندیشه‌ایست که در قالب غزل ریخته‌اند. چه بسا شاعران بزرگی دست به جابه‌جایی واژه‌های مختلف و گزینش آنها برای گنجاندن آن در کنار تخلص شعری خود زده باشند.

و در فصل ششم به نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

باید اذعان کنم که در این راه برای پیدا کردن دیوان اشعار شاعران مختلف چه بسیار ساعت‌ها و روزها را، در کتابخانه‌ها سپری کرده‌ام. متأسفانه کتابخانه‌ای که دیوان‌های موجود شاعران را در یکجا گرد آورده باشد، هنوز ایجاد نشده است. امید آن است که در آینده‌ای نزدیک کتابخانه‌های تخصصی در رشته‌های مختلف و در همه‌ی شهرها بنیاد گردد تا شیفتگان پژوهش این همه سرگردان نشده و کارهای بهتر و کاملتری را ارائه کنند. تردیدی نیست که در این مبحث به نقص کار خود اذعان دارم و معتقدم که در این زمینه کارهای زیادی می‌توان انجام داد. نگارنده، به علت گستردگی موضوع و ارتباط آن‌ها با هم، با توجه به بضاعت خود، تنها به گوشه‌هایی از کار پرداخته است. امید است که

این مجموعه‌ی مختصر، بتواند توجه و علاقه به پژوهش‌های عمیق‌تری را در این زمینه در دوستداران شعر و ادب به وجود آورد.

در خاتمه، از بزرگواران دانشمندم، سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا (استاد راهنمایم) و سرکار خانم دکتر نرگس محمدی بدر (استاد مشاورم) که پایان‌نامه را مو به مو بررسی فرمودند و با رهنمودهای خود در جهت بهتر شدن و به سامان رسیدن کار همراهی‌ام نمودند صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نمایم و امیدوارم که بتوانم گوشه‌ای از زحمات آنان را جبران کنم. در نهایت از پیشگاه خداوند منان برای آنان سلامتی و سربلندی را مسئلت دارم.

هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

فصل اول

تعريفات و کلیات

تعريفات و کلیات:

۱-۱- معنی لغوی تَخْلَص:

واژه‌ی تَخْلَص ت خ ل ل ص (ع مص ل) در لغت به معنی رهایی یافتن (منتهی الارب). (ناظم‌الاطباء) و انفصال و تجرد است (اقرب‌الموارد).

در المنجد آمده است: «تَخَلَّصَتْ قَابِئُهُ مِنْ قُوبٍ، ای بیصته من فرخ، این عبارت را برای کسی مثل زنند که از صاحب خویش جدا شده است.» (به نقل از لغت‌نامه دهخدا)

در اکثر فرهنگ‌ها «تَخْلَص» به همین معنا، البته با کلمات مترادف دیگری همراه، آمده است.

۱-۲- تَخْلَص در اصطلاح بدیع:

تَخْلَص در اصطلاح بدیع به دو معنی است: (۱- اسم مستعارى که شاعر بر خود می‌نهد ۲- آن است که شاعر، در قصیده و غزل و مقدمه شعر به اصل منظور خود، گریز زده باشد.) (فرهنگ‌نامه ذیل تَخْلَص)

۱-۳- تَخْلَص در اصطلاح شعرا:

«در اصطلاح شعرا، تَخْلَص، آوردن نام ممدوح است. چنانکه در جامع‌الصنایع آمده، ولی در اساس‌الفضلا که تصنیف قاضی شهاب‌الدین است، مندرج است که «حسن تَخْلَص» آن است که خروج از غزل و دخول در مدح به احسن وجه باشد و در این، معنی لغوی مرعی می‌شود؛ زیرا که رستن از غزل است.» (آندراج)

در ناظم‌الاطباء آمده است: «نامی که شاعر برای خود، مقرر کند و بدان مشهور گردد.» و همچنین آورده است: «هر بیتی که شاعر، تَخْلَص خود را در آن آورد.»

با توجه به تعریف‌های فوق در مورد تَخْلَص، نکات زیر قابل تأمل است:

نخست این که اطلاق تخلص که در قرن ششم به بعد در غزل رواج یافت، به نام مستعار شاعرانی که قبل از این تاریخ بوده‌اند، صحیح نیست. بلکه باید به آن لقب شاعرانه یا شهرت ادبی گفت.

دوم این که بررسی بعضی از تخلص‌ها، مبین آن است که همیشه توسط خود شاعر، برگزیده نمی‌شده است.

سوم این که در این تعریف‌ها و همچنین کتاب‌های بیان و صنایع ادبی از ضرورت اختیار تخلص، گفتگویی نشده است.

چهارم این که اطلاق تخلص به شهرت ادبی یا لقب شاعری در مورد شاعران معاصر، به ویژه نوگرایان، با تعریف تخلص که به کاربردن آن در خلال شعر است، چندان سازگار نیست. زیرا اکثر این شاعران، در اشعارشان، مطلقاً لقب شاعری خود را به کار نبرده‌اند. از آن جمله‌اند: مهدی اخوان ثالث (م. امید) و ...

با توجه به آنچه گفتیم، در بررسی سیر تخلص، به هر یک از موارد فوق پرداخته خواهد شد.

۴-۱- نام‌های دیگر تخلص:

در کتب فرهنگ و تاریخ ادبیات و آثار پژوهشگران و شعرا، تخلص با نام‌های دیگری نیز، به کار رفته است. از جمله‌ی این نام‌ها: لقب، اسم مستعار، خروج، گریز یا بیت‌گریز، شناسنامه‌ی شعر است، که در زیر در هر مورد توضیح داده می‌شود: یکی از نام‌های تخلص - قبل از قرن ششم - «لقب» است. (و آن نام است که پس از نام نخستین،

دهند کسی را و حاوی مدحی یا ذمی باشد. بر خلاف علم که در آن هیچ منظور نباشد. مثل:
سیف‌الدوله (لقب محمود غزنوی) و مسیح (لقب عیسی) ... ((لغتنامه).

و همچنین در لباب‌الالباب محمد عوفی، به جای گفتن متخلص‌به، از کلماتی چون لقب، معروف‌به، گفتندی و نسبت کردن، استفاده می‌کند. در باره‌ی خاقانی می‌گوید: «خاقان ولایت سخن بود از آن سبب خاقانی لقب یافت.» و دقتی را «به سبب دقت معانی و دقت الفاظ دقتی گفتندی» (عوفی، ۱۳۳۵: ص ۲۱)

البته باید گفت که منظور عوفی از لغت «تخلص» دقیقاً، تخلص در معنای تشبیب یا تغزل است.

نام دیگر تخلص که در فرهنگ‌ها آمده، اسم مستعار است:

در لغت‌نامه‌ی دهخدا، اسم مستعار چنین تعریف شده است: «نامی که کسی بر خود نهد و آن نام حقیقی او نباشد.»

در فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی، ذیل اسم مستعار آمده است:

نام قلمی، نام ادبی، معادل اصطلاح انگلیسی **pen name** اسمی که صاحب قلم، به جای اسم واقعی خویش بر نوشته‌هایش می‌گذارد، اسم مستعار ویژه‌ی ادیبان نیست. بلکه هنرمندان رشته‌های گوناگون، همچون بازیگری، آوازخوانی، رقص و نظایر آن نیز برای خود اسم مستعار بر می‌گزینند. گفتنی است که تخلص نیز اسم مستعاری است که ویژه‌ی شاعران است ...

از نام‌های دیگر تخلص، «خروج» است. این واژه را جلال‌الدین همایی، در

فنون و بلاغت و صناعات ادبی آورده است: «تخلص مرادف لفظ «خروج» به معنی بیرون

آمدن و انتقال یافتن از مقدمه به مقصود است.» (همایی، ۱۳۶۸: صص ۹۸-۹۷)

تخلص را «گریز» یا «بیت گریز» نیز می‌گویند. البته این نام‌گذاری، با کاربردهایی

همچون گریز زدن و گریزگاه نیز متداول است. «استعمال «گریز» به جای تخلص، از ابتکارات

متأخران است.» (شمس، ۱۳۷۰: ص ۲۴)

«گریز» یا «گریزگاه» معمولاً در مفهوم تخلص در قصیده به کار می‌رود، اما فروغی

بسطامی غزلسرای معروف دوره‌ی بازگشت ادبی در غزل مدحی خود می‌گوید:

من هر غزل که گفتم در عاشقی فروغی . یکجا «گریز» آن را بر نام شاه کردم

(دیوان، ص ۱۳۶)

زین‌العابدین مومن، در تحول شعر فارسی آورده است: «تخلص یا گریز، انتقال از

نسیب و تشبیب است...» (مومن، ۱۳۵۲: ص ۱۵)

در کتاب بدیع میر جلال‌الدین کزازی، آمده است: «بیت گریز، بی‌تی است که سخنور به

یاری آن، غزلواره‌ی چامه را به پایان آورد؛ تا به ستایش بپردازد.» (کزازی، ۱۳۷۳: ص ۱۶۰)

چنانکه ملاحظه می‌شود، تخلص در این معنی، همان تخلص در قصیده یا غزل مدحی

است که با تخلص در غزل تفاوت دارد.

در شعر امروز، نوعی از تخلص هست که در واقع بازی کردن با واژه‌هاست. این

مورد، هم در مطلع و هم در مقطع غزل آمده است. این نوع تخلص را «شناسنامه‌ی شعر»

نام‌گذاری می‌کنند. ابیات زیر شاهد گویای این مدعایند:

حسین نام من و شعر من نشانه‌ی من و کربلا سفر سرخ و عاشقانه‌ی من

(سنگری، ۱۳۸۳: ص ۱۱۵)

تخلص غزلم چیست غیر نام شما؟
ز یمن نام شما خود زبان من گویاست

(ادبیات سوم انسانی، ص ۱۱۶)

شعر اخیر از سهیل محمودی، از شاعران معاصر است که «شناسنامه‌ی شعری» را

که همان «تخلص» است، به نام شهیدان عنوان کرده است.

فصل دوم

تاریخچه تخلص

بخش اول